

# اخراج صد هزار کارمند زن بخاطر عدم رعایت حجاب

## نمونه‌ای از دشمنی کینه توزانه رژیم جمهوری اسلامی نسبت به زنان زحمتکش

آخوندی و حزب فاشیستی جمهوری اسلامی و شوراها ی اسلامی در اذات و وزارتخانه‌ها ، به بنی‌مدرها و بختیارها امید بسته‌اند و حتی از دوران رژیم منحوس شاه به حسرت یاد میکنند .



رژیم جمهوری اسلامی ، مانند رژیم سرمایه‌داری دیگر ، به زنان به مثابه نیروی ذخیره ارتش کار ، می‌نگرد . در نظام سرمایه‌داری ، در دوره‌های رکود و بحرانهای اقتصادی " زنان اولین قربانیان آن بشمار میروند . رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی که نه فقط در وضعیت یک بحران حاد اقتصادی بلکه بقول شریه لوموند " در آستانه ی ورشکستگی " بسر میبرد ( " بیان اقتصادی و اجتماعی ۱۹۸۰ " صفحه ۱۰۱ ) و رقم کسر بودجه آن در سال ۶۰ ( علیرغم دروغ بافی‌های بی‌زادنیروی میهنی بر شما دل بودجه اسال ) ، بر اساس گزارش محرمانه کارشناسان همین رژیم ، چیزی بین رقم وحشتناک ۸۵ میلیارد تومان و رقم وحشتناک تر ۱۲۰ میلیارد تومان ( و در هر حال بزرگترین رقم کسر بودجه در تاریخ ایران ) برآورد شده است ، نظریا اینکه مطلقا "قا در به حل بسیاری مسائل اقتصادی ( مانند سایر مسائل ) با معنیت ، نظیر تمام رژیم های مستأجل برای به تاخیر انداختن ورشکستگی کامل ، به ومله پسته دست میزنند . از جمله این ومله پسته ها " راه حلها " پرواوت جمهوری اسلامی ، ایجاد دفاتر نیروی کارگران برای تولید بیشتر ، افزایش ساعات کار و حذف تعطیلات پنجشنبه ها ، حذف " مزایا " ( یعنی بخشی از حقوق کارگران و کارمندان ) و اخراج های دستجمعی است . بزرگترین بین فشارها در این زمینه ، متوجه زنان کارگر و کارمندان است . برایین " راه حل " های عام رژیمهای سرمایه‌داری برای خروج از بحران با بددشمنی ویژه ی رژیم وابسگرا و فسوق ارتجاعی جمهوری اسلامی نسبت به زنان را اضافه کرد .

حاکمان جدید ، در همان اولین هفته های حکومت غاصبانه خود ، دشمنی با زنان و تهاجم به حقوق و آزادیها و امنیت شغلی آنها را آغاز کردند . در فروردین ۱۳۵۸ ، از شرکت زنان کارآموز قضاوتی ، پس از پایان دوره ی کارآموزی ، در مراسم تحلیف و اشتغال به شغل قضاوت ، جلوگیری بعمل آوردند . کمی بعد ، زنان قاضی را از شغل قضاوت محروم ساختند . از آن پس ، سرکوب زنان کارمند و تهاجم به حقوق و امنیت شغلی آنان ، گام به گام ولی بطور بیکیفر ، ادامه یافت . و زنان کارمندی رژیمهای پادشاهی مختلف از کارخانه ها و ادارات ، اخراج شدند . رژیم جمهوری اسلامی در تعقیب افکار پوپسیده و اذخاف فاشیستی خود در راهی به این امر توجه نداشت که با اخراج زنان کارگر و کارمندی ، بخشی از درآمد گذران یک خانواده و در مبارزتی ، تنها درآمد و معیشتی یک خانواده را از بین میبرد ، و نتیجه ی است توجه داشته باشد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که همواره از مناهیم ، کار - یگانا و ورشکستگی اراده میدهد ، پس از " انقلاب فرهنگی " یعنی کتله روحگیا شده دانشجویان توسط چماقداران و مزدوران رژیم حزب جمهوری اسلامی پس از جشن گرفتن " روز استقر - ارتحاکمیت دولت " توسط بنی صدر ، و با نیکویی بروی چمن دانشگاه که هنوز از خون دانشجویان انقلابی لگون بود ، در تیرماه ۵۹ ، در فرمت مساعدا در همان بفرگ " انقلاب اداری " اقتصاد و این بار ، سرکوب سراسری زنان کارمندان نشانه گرفت . و با اعلام اصل " انقلاب اداری " ، زنان را بر سر

حاکمان جدید از همان آغاز زخیدن به قدرت ، با سرکوب تحمن ها و اعتراضات و اعتراضات حق طلبانه کارگران شاغل و حمله به راهبیماشیها و تحمن های کارگران بیکار و دشمنی با کمونیستها ، فقط ماهیت عمیقاً ضدکارگری خود را نشان دادند بلکه همچنین با سرکوب خلقهای تحت ستم و تهاجم به حقوق و آزادیهای دموکراتیک جامعه ، تخریفرکری و عقب - ماندگی تاریخی خود را به نمایش گذاشتند و کمکم نقاب پرور از چهره ضد مردمی خود نیز کنار زدند . در این تهاجمات وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی ، تهاجم به حقوق و آزادیهای زنان و دشمنی آشکار با نبیسی از جمعیت کشور ما ، از اولویت خاصی برخوردار بود .

دشمنی و سرکوب و تحقیر زنان ، با طرح مساله ی حجاب به براسفند ۵۷ ، آغاز شد . اعتراضات خود بخودی زنان ( علیرغم اینکه از طرف عمده ترین نیروی چپ جامعه در آنوقت ، مورد حمایت قرار نگرفت ) ، آنچنان با شکوه و کوبنده بود که حاکمان جدید را بوحشت انداخت ، و با تقاطع ، به منظور سرهم بندی قضیه و جلوگیری از گسترش موج اعتراضات زنان ، آیت الله طالقانی را به پشت دوربین تلویزیون فرستادند و همزمان با آن ، اعلامیه یشت اعلامیه ( از جمله از طرف دولت موقت ، " دفتر امام " ، سید احمد خمینی و شخصی آیت الله خمینی ) صادر شد و تهاجمی درباره " مقام انسانی زن " و احترام به حقوق آنان که نیافتند رژیم با این عقب نشینی مفتضحانه ، دریافت که بجای تهاجم ناگهانی و سرتاسری در زمینه سرکوب زنان ، با پسرکوب گام به گام و مرحله به مرحله را دنبال کند . عدم تشکل زنان و سازمان نیافتگی مبارزات آنان از یکطرف ، و بی توجهی مطلق بخش عمده نیروی چپ ایران در مقابل تشکلاتی های رژیم به حقوق و آزادیهای دموکراتیک زنان ( و به حقوق و آزادیهای دموکراتیک جامعه بطور عام ) از طرف دیگر ، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را ، در سرکوب مرحله به مرحله زنان ، باری داد . بخش غالب چپ ایران ، بخاطر فقر تشکری ، عدم شناخت شرایط جامعه ، ارزیابی از نیروهای اجتماعی ، فقدان تحلیل طبقاتی از حاکمیت ، سردرگمیها و سرگیجه گرفتن ها ، بدآ موزیهای خود از درک کسیم ، افتادن در دام تهاجم سفرونی " خدا میریای لیستی " رژیم ... دربار ، به بیانهای موهوم ، با بی تفاوتی از کنار مبارزات توده ها در زمینه ی حقوق و آزادیهای دموکراتیک ، گذشت و باحتی با همان بنیاد ریفایز ( نظیر " خلقی " و خدا میریای لیست بودن حاکمیت ) ، در مقابل آن مبارزات قدامت کرد و عملا رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را در سیاه تهای سرکوبگرانه اش باری داد . نتیجه ی برخورد فاجعه آمیز این بافتل اصلاح کمونیستها ، اشاعه ی این تصور غلط در جامعه بود که در میان زنان زحمتکش کارمند که گویا کمونیستها به دشمنان از مبارزات حق طلبانه ی آنان در زمینه دفاع از حقوق و آزادی های دموکراتیک زنان و امنیت شغلیشان اعتقادی ندارند و ارگانهای بورژوازی نظیر " انقلاب اسلامی " و " میدان " میخواهند چنین رسالتی را بر عهده بگیرند و حتی کار به جانی رسید که طلب زاده ، دانشجویترین چهره جمهوری اسلامی ، امکان یافت که فریاد " آزادیخواهی " سر بدهد . نتیجه ی برخورد با ملاح کمونیستها در زمینه مسائل دموکراتیک ، بطوریکه شاخیم ، این شد که بخش طبقاتی از نیروهای اجتماعی ، بویژه خرده بورژوازی جدید ، به گام بردیدن از یک بخش از حاکمیت ( و با قطع امید از نیروهای چپ ) به بخش دیگر حاکمیت روی آوردند و در دام شعارهای دروغین بنی صدرها بازرگان ها و طلب زاده ها بیفتند . در اینجا ، در رابطه با زنان کارمندی توان به این واقعیت اشاره کرد که بخش عمده ای از این زنان ، در مقابل فشارها و سرکوبهای رژیم

### اخراج صد هزار...

دوره‌ای اخراج از ادارات یا تحمیل حساب اسلامی قراردادها، مزدوران حزب فاشیستی جمهوری اسلامی یعنی اعضاء شوراهای اسلامی، دم در ادارات و وزارت خانه‌ها، ما مورمراقبت به اجراء دقیق اصل "انقلاب اداری" شدند و آیت الله اشرافی بعنوان نماینده‌ی امام "ما موریت یافت با سرکشی به وزارتخانه‌ها و موسسات، اجرای صحیح مقررات "انقلاب اداری" را مورد کنترل قرار دهد. و قربانیان این "انقلاب اداری"، دست به نقد، بقول یکی از مقامات رسمی رژیم جمهوری اسلامی بیش از یکصد هزار زن کارمند بودند. کتبرای مدبرکل سابق سازمان امور استخدامی و اداری کشور که اخیراً استعفا داد در مصاحبه‌ای با مجله "زن روز" بتاريخ ۲۵ مرداد ۵۹ چنین می‌گوید:

"مسأله اخراج افراد از ادارات مربوط به قانون پاکسازی میشود که سال گذشته تصویب شد و تا به حال قانون استخدام کشوری یا این سازمان نیست و هر وزارتخانه‌ای زیر نظر وزیر مربوطه و کمیته‌ای پنج نفره، به پاکسازی ادارات تابعه مشغول است علاوه بر آن پاکسازی حاشی نیز به حکم دادگاه‌های انقلاب صورت می‌گیرد که با زهم خارج از حوزه فعالیت سازمان امور اداری و استخدامی کشور است و از آن جمله میتوان از اخراج بیش از ۱۰۰ هزار نفر از خانها کارمندان ادارات یاد کرده، طبق حکم دادگاه انقلاب و به خاطر ایستادگی در مقابل خواست جامعه یعنی رعایت پوشش اسلامی انجام شد. البته باید توجه داشت که کار دادگاه‌های انقلاب بنا بر مصلحت انقلاب انجام می‌پذیرد و خیلی به زوایای کارهای دادگستری کاری ندارد. مواخبا به مدتی کتبرای - رئیس سازمان امور استخدامی و اداری کشور - زن روز، شماره ۱۷۷، ۲۵ مرداد ۱۳۵۹.

زنان کارگرا زنان کارمندا  
سیاستهای فوق ارتجاعی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی، در رقم مخوف یکصد هزار زن کارمندا اخراجی بهانه‌ی "ایستادگی در مقابل خواست جامعه یعنی رعایت پوشش اسلامی" متوقف نخواهد آمد و ندونشمنی کینه توزانه‌ی این رژیم ضد مردمی نسبت به زنان جامعه ما، در همین حد تمکین نخواهد یافت. رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی تا زنان را تا آخرین نفر، از صحنه تولید اجتماعی و از صحنه بیگاری سیاسی کنار زند و به پشت دیوار خانه‌ها عقب براند، خواب آرام به چشمانش راه نخواهد یافت.

زنان زحمتکش کارگر و کارمندا نیروهای انقلابی و مترقی! رژیم ستمگر جمهوری اسلامی به این یکصد هزار قربانی زن اکتفا نخواهد کرد و این شتری است که دم در خانه هر کارگر و کارمندان خواهد خوابید. خوار کوچک شماریم اگر در مقابل اولین تهاجمات بیشرمانه رژیم نیز خظر را جدی گرفته و دچار رباقتی‌ها و خوش خیالی‌ها، ترحیم‌های عجیب و غریب نشده بودیم، امروز رژیم یکصد هزار کارمندا اخراجی زن به بهانه‌ی عدم رعایت پوشش اسلامی، در مقابل ما قیام نداشت. و امروز، با درس آموزی از آشوب‌ها ت عظیم گذشته با مبارزه‌ی بی‌گروسی‌مان و مقاومت در مقابل مرتجعان رژیم به حقوق زنان زحمتکش بایستیم، صدای اعتراضی یکپارچه خود را بپرتهاجم رژیم نسبت به رفقا و دوستان کارگر و کارمندا خود، بلند کنیم، و در سازمانی که از حقوق و آزادیهای دموکراتیک زنان بی‌سور و واقعی دفاع میکنند، مشکل شویم. با اتحاد و یکپارچگی خود، خواب خوش کوردلان تاریخ را بریشان کرده و آنها را به کوشش مبارزین تبدیل سازیم. و ایمان داشته باشیم که در مقابل اتحاد ما، نه فقط رژیم پوئالی و محکوم به زوال جمهوری اسلامی بلکه بر قدرت ترین رژیمهای سرکوبگر، تاب مقاومت و جرات برگتازی و تحقیر مقام انسانی نمی‌از جمعیت یک کشور نخواهد داشت.

### تفسیری بر...

روز اول ماه مه است. از شیوه‌ی اعلام پیام توسط رجوی که خود نشانه‌ی ادا مه سیاست کپش شخصیت در این سازمان و تبلیغ آن در جامعه است که بگیریم، این امر حاکی از نکات و اشارات مهم دیگری نیز هست. مجاهدین در نبردهای اساسی - چپ - کردستان، دانشگاه و اول ماه مه - نیروهای کمونیست را در مقابل ارتجاع به امان خدارا کردند و آنان را عملاتنها گذاشتند. صرف نظر از محضورات قابل تامل سیاسی مجاهدین که مانع همبوسی علیانی آنان با نیروهای چپ میگردد، عدم شرکت مجاهدین به شکل غیر رسمی در تظاهرات نیروهای چپ و با حتی عدم حرکت مستقلی در این موارد، این هم "بی‌سوال انگیز است. مجاهدین ۱۴ اسفند مراسم بنی صدر در دانشگاه شرکت میکنند، در مراسم امجدیه با زرگان جزء شرکت کنندگان اصلی میباشند... اما هواداران آنها از شرکت در مراسم نیروهای چپ بر خور میشوند. یکی از احاد محاسبات مجاهدین در این امر بیشک بر آوردان نیروهای بالقوه‌ی چپ را دیدکال است. اما این محاسبه صرفاً یک محاسبه پراگماتیک نیست. زیرا نه تنها با لندگی این نیروها را در نظر نمی‌گیرد بلکه علاوه بر آن در جهت عمومی اعتقاد اعلام شده‌ی مجاهدین نیست. در روسیا لیبی - مجاهدین (جامعه‌ی پروپاگنده توحیدی) - قاعدتا با جدا نگاه نیروهای ضد ستشاری کمونیستها - عمده تر با شد تا جا بگاه "لیبرالها"، اما در عمل می‌بینیم که این "لیبرالها" هستند که در معرکه‌های اصلی از پشتیبانی سازمان مجاهدین برخوردارند و نه نیروهای چپ این محاسبه‌ی پراگماتیک نیستی نتایج ناگوار خود را از هم اکنون به بار آورده است. اینجا در ترم در مورد بنی صدر از جمله این نتایج است. این همبوسی به آنجا کشیده است که مجاهدین حتی انحلال انجمنهای اسلامی کارخانجات و ایجا دشورا هارا به تبعیت از بنی صدر و نه قبل از وی طرح میکنند. بنظر میرسد یکی دیگر از نتایج عدم شرکت و عدم برگزاری تظاهرات شود. مجاهدین در اول ماه مه، بعد از تظاهرات موفقیت آمیز ۷ اردیبهشت، و عدم برگزاری تظاهرات توسط چپ قدرت گیری بیش از حد مجاهدین باشد، مردم عاصی در یافتند که در حال حاضر نیروی بزرگی که توان سازمانی برای مقابله با یک بخش از حاکمیت را دارم مجاهدین است و این باعث خواهد شد که سازمان مجاهدین مورد استتعال بیشتر مردم قرار گیرد.

ریش سفیدی "بزرگان در این میان، سر مقاله‌های پرازه و ناله خطا به" فرزندان مجاهد و کمیتی و هشدار اوپراون مبارزه مسلحانه بیش از هر چیز نشان از ترس و دلالت مغزی بورژوازی بی‌بسته‌ی ایران دارد. بزرگان به شیوه‌ی گذشته اینبار نیز با شعار "اتاهم شریک" به میدان می‌آید. در گذشته مردم علیه رژیم شاه مبارزه کردند و وی بیگمراه برای بهره برداری به میدان آمده و اینبار نیز ناله سر می‌دهد که اگر راه در مقابل وی وهمگرا نش با زنیاشند جوانان عاصی با زبه مسلحانه نخواهند بود. او با زبه میدان آمده است تا از مبارزات دینوران به نفع خود بهره برداری نماید. بزرگان به تجربه نشان داده است که "وجدان آگاه" بورژوازی ایران است و میدانند چگونه و به چه وسائلی منافع این طبقه را در ایران حفظ نماید. اگر او ریش سفیدان به میدان می‌آید و برای عروسی دوم از کرسی نخست وزیری چشم پوشی میکند، هر قدر با احتساب تعادل نیروهای اجتماعی انجام میدهد، آیا با در میان بازرگان، سکوت امام، تهاجم بنی صدر نشان نمیدهد که "حزب الله هم المعنایون" به سمت "حزب الله هم المغلوبون" میل میکنند؟ بزرگوارهای اسلام و حزب خدا روه افول است. نگذاریم که حاکمیت خدای واقعی، خدای سرمایه، مواضع خود را مستحکم کند.



## آزادی زنان معیار آزادی جامعه است